

## تحلیلی بر تغییر و تحولات جمعیتی در ایران؛ با تأکید بر فرصت طلایی پنجره جمعیتی

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶

### چکیده

با رصد وضعیت جمعیت در ایران، و فراز و فرودهای آن، فرایند رشد جمعیت با اجرای سیاست تنظیم خانواده، در مقطعی از تاریخ کشور، و در ادامه و رها کردن این سیاست، جامعه اسلامی را با مسئله بحران کاهش شدید باوری و پیری جمعیت مواجه ساخت. این رویکرد کاهش جمعیت، با اعلام رهبر فرزانه انقلاب در سال ۱۳۹۱ تغییر و به گفتمان افزایش جمعیت تبدیل گردید. از آن زمان تاکنون این سیاست آن گونه که باید، از سوی مسئولان نظام مورد توجه قرار نگرفت. علی‌رغم پیامدهای منفی کاهش باروری و جمعیت و خاکستری شدن آن، به نظر می‌رسد ایران در یک پیچ بزرگ و فرصت طلایی پنجره جمعیتی قرار دارد؛ فرصتی که بسیاری از کشورهای جهان مترصد آن هستند که اگر به درستی مدیریت شود، بسیاری از تهدیدات پیش روی جمعیت از بین خواهند رفت. این مقاله با روش تحلیلی و اسنادی، به وضعیت‌شناسی ابعاد تحولات جمعیتی در ایران پرداخته، با واکاوی پیامدهای کاهش جمعیت، به فرصت طلایی پنجره جمعیتی اشاره دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در پنجره جمعیتی با مدیریت صحیح می‌توان تهدید کاهش جمعیت را به فرصت تبدیل کرد و به توسعه کیفی سرمایه انسانی، افزایش عرضه نیروی کار، افزایش پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های مردم، کاهش فقر و مدیریت نوسانات سنی تولید و مصرف اقدام نمود.

**کلیدواژه‌ها:** جمعیت، کاهش جمعیت، پنجره جمعیتی، وضعیت‌شناسی جمعیت.

## طرح مسئله

جمعیت، منبع عظیم و فناپذیری است که نقش برجسته‌ای در تحقق برنامه‌های اقتصادی - سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای دارد. ساماندهی جمعیت و ایجاد رابطه منطقی بین جمعیت و توسعه، موجب پیشرفت و رشد هماهنگ عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی شده و اعتلای سطح زندگی و بهروزی مردم را در پی خواهد داشت. تحولاتی که در حوزه‌های گوناگون اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، در سطح کلان منجر به تحولات ساختاری، جمعیتی می‌شود. آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۴۵، تقریباً هر ۱۰ سال به طور میانگین، حدود ۱۱ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شده است. جمعیت کشور در طول مدت نزدیک به دو دهه تقریباً دو برابر شد و به حدود ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. آنچه در تحول جمعیتی کشور ما اهمیت دارد، سهم جدید جوانان در ترکیب آن است. در سال ۱۳۷۰، نزدیک به شش میلیون نفر از جمعیت کشور، بین ۱۵ تا ۱۹ سال داشتند و در ۱۳۷۵ این رقم به حدود هفت میلیون نفر رسید (ربعی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱).

این گروه جمعیتی انبوه با سلیقه‌ها و علاقه‌های خاص دوران نوجوانی و جوانی، متولد و پرورش یافته دوران پس از انقلاب هستند. این پدیده که به «انقلاب جمعیتی» معروف است، ناگهان و در فاصله‌ای کوتاه، یک جامعه را به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌کند و طبعاً خواسته‌ها، انتظارات و نگرش‌های تازه‌ای را در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و فرهنگی به دنبال می‌آورد (همان).

بر اساس آمارهای موجود، نرخ رشد جمعیت کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نسبتاً بالا بوده است. اما نکته مهم در اینجا، بالا یا پایین بودن نرخ رشد نیست، بلکه آهنگ افزایش رشد جمعیت است. از این رو، فاصله میان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاملاً متمایز است؛ چراکه در این دوره نرخ رشد جمعیت با شتاب زیادی رو به افزایش گذاشت و طی ده سال، از حدود ۲/۷ درصد به ۳/۹ درصد رسید (حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸). نرخ رشد ۳/۹ درصدی در میان سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، امروزه خود را کاملاً نشان می‌دهد. متولدین آن دوره، اینک بزرگ‌ترین گروه سنی کشور، یعنی جوانان و بزرگسالان را تشکیل می‌دهند. تراکم و تمرکز جمعیتی در این گروه سنی، پیامدهای بسیاری در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی به همراه دارد. برای این نیروی عظیم، فعال، پویا و با نشاط جوان، که یک فرصت بسیار مغتنم برای هر کشوری است، اگر به درستی برنامه‌ریزی نشود، و زیرساخت‌های لازم اجتماعی و اقتصادی مناسب برای آنان و در نتیجه، رشد و توسعه کشور فراهم نشود، ممکن است این فرصت مغتنم و مناسب، به تهدید جدی برای کشور تبدیل شود.

اما از سوی دیگر، فرایند کاهشی و فرسایشی جمعیت، پس از یک دوره افزایش نرخ رشد جمعیت، و نیز کاهش باوری و به دنبال آن، خاکستری شدن جمعیت در آینده نزدیک، مسئله اصلی جامعه اسلامی ماست. این فرسایش جمعیت پس از دهه هفتاد در نتیجه اجرای برنامه تنظیم خانواده در ایران، موجب نگرانی جمعی از کارشناسان کشور و زمینه‌ساز تغییر سیاست جمعیتی نظام جمهوری اسلامی شد (امانی، ۱۳۸۷، ص ۹۸). به گونه‌ای که از آغاز سال

۱۳۹۱، موضوع کاهش روزافزون جمعیت کشور، به دغدغه‌ای برای مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد و آنان را به تکاپو برای اصلاح سیاست جمعیتی کشور واداشت (معینی و نوراللهی، ۱۳۹۱، ص ۵۸).

مقام معظم رهبری، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، بر ضرورت تجدیدنظر در سیاست تحدید نسل تأکید کرده، فرمودند: جمعیت جوان و بانشاط و تحصیل کرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است... ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند. آن طوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصد که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم. خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم... این مسئله افزایش نسل و اینها، جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولین کشور، نه فقط مسئولین اداری، روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند... رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند - و درست هم هست - ما باید به آن رقم‌ها برسیم (مقام معظم رهبری، ۳/مرداد/۱۳۹۱).

از این رو، با توجه به آنچه گذشت، بازخوانی، بازشناسی و وضعیت‌شناسی جمعیت در ایران، بررسی و نقد عالمانه نظریات، سیاست‌های جمعیتی در این عرصه، با هدف یافتن راهکارهای عملی برای خروج از وضعیت موجود در کاهش باروری و به تبع در آینده نزدیک پیر و خاکستری شدن آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در باب پیشینه پژوهش، با مروری بر آثار منتشر شده در عرصه مطالعات جمعیتی، اثر مشخصی که در این عرصه و به موضوع خاص واکاوی وضعیت‌شناسی مطالعات جمعیتی پرداخته باشد، و در عین حال، پیامدهای کاهش باروری را رصد و از این زاویه، موضوع پنجره جمعیت در ایران را یک فرصت طلایی شمرده باشد، یافت نشد. از این نظر، این مقاله دارای نوآوری است. هر چند آثار و مقالاتی پراکنده می‌توان در این عرصه یافت که از برخی از آنها در این مقاله، استفاده وافر شده است. در این زمینه می‌توان از کتاب‌های *بحران خاموش؛ واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران* نوشته اسماعیل چراغی کوتیانی (۱۳۹۷)، *پنجره جمعیتی: فرصت طلایی برای توسعه اقتصادی در ایران* نوشته رسول صادقی و غلامعلی فرجادی (۱۳۸۸)، *قتل عام خاموش* نوشته صالح قاسمی، همچنین، پایان‌نامه *گلاوش سلیمی دیلمی* (۱۳۹۴)، با عنوان «پنجره جمعیتی؛ یک موهبت یا پدیده‌ای مشکل‌افزا؟» و نیز مقاله *رسول صادقی* (۱۳۹۱)، با عنوان «تغییرات ساختاری و سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران؛ پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی»، در این زمینه یاد کرد.

بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است که با عنایت به کاهش شدید باروری و جمعیت در ایران، و ایجاد فرصت پنجره جمعیتی، آیا می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل و کمترین پیامدهای منفی کاهش باروری را متحمل شد؟

### نگاهی به تغییر و تحولات جمعیتی در ایران

بر اساس برآوردهای جمعیتی پیش از سال ۱۳۳۵، میزان رشد سالانه جمعیت ایران در این سال‌ها متغییر و در نوسان بوده است. این رشد، بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵، ۲ درصد، بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۰، ۲/۸ درصد و

سرانجام، بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵، به ۲/۹ درصد رسیده است. بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران، جمعیت ایران ۷۰/۵ میلیون نفر بود که ۳۵/۹ میلیون نفر آن را مردان و ۳۴/۶ میلیون نفر را نیز زنان تشکیل می‌دهند (ر.ک: مرکز آمارسازمان برنامه و بودجه، سرشماری ۱۳۸۵). این میزان در مقایسه با جمعیت شصت میلیون نفری سال ۱۳۷۵، بیانگر خالص افزایشی در حدود ۱۴/۸ درصد یا ۱۰/۴ میلیون نفر بوده است.

روند تحولات باروری نشان می‌دهد که میزان باروری کل، از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵، به ۶/۳ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است. پس از این کاهش اولیه، به‌طور موقت، وقفه‌ای در گذار جمعیتی ایران پدید آمد که عمدتاً متأثر از شرایط خاص پیروزی انقلاب اسلامی بود. در ادامه، باروری در سال‌های (۱۳۶۳-۱۳۵۸) اندکی افزایش یافت و روند ثابتی ادامه داد. اما از سال ۱۳۶۳ به بعد، دوباره و به تدریج، روند کاهش باروری آغاز شد و از ۶/۹ فرزند برای هر زن در این سال، به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷، که زمان آغاز دوباره برنامه‌های تنظیم خانواده است، رسید (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸-۲۵). از سوی دیگر، این امر ناشی از افزایش امید زندگی هم بوده است. بر اساس گزارش دفتر توسعه سازمان ملل، میزان امید به زندگی ایرانی‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۴ سال بوده که این رقم در آخرین گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶، به بیش از ۷۵/۶ سال رسیده است که رشد حدود ۲۲ سال را نشان می‌دهد. تازه‌ترین گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶، نشان می‌دهد که طی سه دهه اخیر رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی، از ۱۱۸ در سال ۱۹۹۰، به ۶۱ در سال ۲۰۱۵ میلادی ارتقا داشته است که حاکی از رشد ۵۷ پله‌ای ایران در ۳۰ سال اخیر است. بنا بر گزارش دفتر توسعه سازمان ملل متحد، امید به زندگی ایرانی‌ها طی سه دهه گذشته از مردم کشورهایی همچون روسیه، ترکیه، عربستان سعودی، برزیل، کویت، رومانی، مجارستان، مصر، گرجستان، مالزی، اوکراین، ونزوئلا، بلغارستان، قزاقستان، ازبکستان، تونس، قرقیزستان، سریلانکا، سوریه، عراق، اردن، تایلند، صربستان و ده‌ها کشور دیگر پیشی گرفته است. همچنین طی سه دهه گذشته میزان رشد امید به زندگی در مردم ایران، از مردم حدود ۱۷۰ کشور دنیا بیشتر بوده است (<https://harfetaze.com/8994>).

بر اساس آخرین سرشماری در ایران در سال ۱۳۹۵، مرکز آمار آخرین نتایج سرشماری سراسری جمعیت کشور را ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفر اعلام کرد که ۵۱ درصد آن را مردان و ۴۹ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند. نتایج سرشماری نشان می‌دهد جمعیت مردان ۴۰ میلیون و ۴۹۸ هزار و ۴۴۲ نفر و جمعیت زنان نیز ۳۹ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۸۲۸ نفر است. به عبارت دیگر، به ازای هر ۱۰۰ زن، ۱۰۳ مرد در ایران زندگی می‌کنند (مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، ص ۳۱).

از کل جمعیت کشور، تعداد خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۸ میلیون و ۱۲۵ هزار خانوار بوده که نسبت به سال ۱۳۹۰، دو میلیون و ۶۹۸ هزار و ۶۴۰ خانوار افزایش یافته است. همچنین، بُعد خانوار در سال ۱۳۹۰ معادل ۳/۵ درصد بود که با کاهش ۰/۲- درصدی در سال ۱۳۹۵ به ۳/۱۸۰ رسید. بُعد خانوار شهری نیز در سال ۱۳۹۰، ۳/۵ درصد بوده است که با

## تحلیلی بر تغییر و تحولات جمعیتی در ایران؛ با تأکید بر فرصت طلایی پنجره جمعیتی ♦ ۴۷

۰/۲- درصدی در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ درصد رسیده است. بُد خانوار روستایی در سال ۱۳۹۰، ۳/۷ درصد بود که با تغییراتی معادل ۰/۳ درصد به ۳/۴ درصد رسیده است (همان، ص ۳۷). در این سرشماری، جمعیت ساکن در نقاط شهری از سال ۱۳۹۵ معادل ۵۹ میلیون و ۱۴۶ هزار و ۸۴۷ نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۰ معادل ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار و ۱۸۶ نفر افزایش یافته است. جمعیت ساکن در نقاط روستایی، با کاهش محسوسی روبرو بوده است. در سال ۱۳۹۵ معادل ۲۰ میلیون و ۷۳۰ هزار و ۶۲۵ نفر ساکن در روستاها بوده‌اند که نسبت به سال ۱۳۹۰ معادل ۷۷۲ هزار و ۳۸۳ نفر کاهش یافته است. همچنین نسبت روستائیشینی جمعیت در سال ۱۳۹۵ معادل ۲۵/۹ درصد رسیده است که منفی ۲/۷ درصد نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۹۵ به ۱/۲۴ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۵ صفر درصد افزایش داشته است (<http://sedayiran.com/fa/news/181436/>).

جدول زیر مقایسه نتایج پیش‌بینی جمعیت ایران را در دوره‌های پنج‌ساله و بر اساس سه سناریو دفتر جمعیت سازمان ملل، میان سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۲۰ در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد. بر اساس سناریوی حد پایین سازمان ملل، که با روند فعلی کاهش میزان باروری کل در کشور همسوست، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸۷/۷ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ خواهد رسید. بر اساس سناریوی حد متوسط، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به ۹۶/۸ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ افزایش خواهد یافت. سرانجام، بر اساس سناریوی حد بالای سازمان ملل، جمعیت ایران از ۷۵/۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۰۶ میلیون نفر در سال ۱۴۲۰ افزایش خواهد یافت. در پایان دوره رشد ۰/۸۹ درصد جمعیتی را تجربه خواهد کرد.

جدول ۱. مقایسه سه سناریوی پیش‌بینی (حد پایین، حد متوسط و حد بالا) سازمان ملل تا افق ۱۴۲۰ (World Population Prospects: The 2012 Revision)

| سال  | حد پایین       |                 | حد متوسط       |                 | حد بالا        |                 |
|------|----------------|-----------------|----------------|-----------------|----------------|-----------------|
|      | جمعیت (میلیون) | درصد رشد سالانه | جمعیت (میلیون) | درصد رشد سالانه | جمعیت (میلیون) | درصد رشد سالانه |
| ۱۳۹۰ | ۷۵/۱۵          | —               | ۷۵/۱۵          | —               | ۷۵/۱۵          | —               |
| ۱۳۹۵ | ۷۸/۵           | ۱/۰۷            | ۷۹/۵           | ۱/۳۰            | ۸۰/۴           | ۱/۵۴            |
| ۱۴۰۰ | ۸۱/۸           | ۰/۸۱            | ۸۴/۱۵          | ۱/۱۴            | ۸۶/۵           | ۱/۴۶            |
| ۱۴۰۵ | ۸۴/۰۵          | ۰/۵۵            | ۸۸/۰۶          | ۰/۹۱            | ۹۲/۰۷          | ۱/۲۵            |
| ۱۴۱۰ | ۸۵/۸           | ۰/۴۰            | ۹۱/۳           | ۰/۷۳            | ۹۶/۹           | ۱/۰۳            |
| ۱۴۱۵ | ۸۷             | ۰/۲۸            | ۹۴/۲           | ۰/۶۲            | ۱۰۲            | ۰/۹۳            |
| ۱۴۲۰ | ۸۷/۷           | ۰/۱۶            | ۹۶/۸           | ۰/۵۴            | ۱۰۶            | ۰/۹۰            |

در جدول ۱، تغییرات تعداد سالانه جمعیتی بر اساس سناریوهای سازمان ملل معرفی شده است. بر اساس سناریوی حد پایین، در دوره زمانی (۱۳۹۰-۱۳۹۵) سالانه حدود ۸۱۷ هزار نفر و در دوره زمانی (۱۳۹۵-۱۴۰۰)، حدود ۶۵۰ هزار نفر به جمعیت کشور اضافه خواهد شد. بر اساس سناریوی حد متوسط در دوره (۱۳۹۰-۱۳۹۵) سالانه حدود (یک میلیون) نفر و در سال‌های (۱۳۹۵-۱۴۰۰) سالانه حدود ۹۳۰ هزار نفر به جمعیت کشور افزوده خواهد شد.

سرانجام بر اساس سناریوی حد بالا در دوره (۱۳۹۰-۱۳۹۵) سالانه حدود یک میلیون و صد و هشتاد هزار نفر، در دوره (۱۳۹۵-۱۴۰۰) سالانه حدود یک میلیون و دویست و بیست هزار نفر به جمعیت کشور افزوده خواهد شد. همه سناریوها روند کاهشی خواهند داشت. در این میان، سرعت کاهش سناریوی حد پایین بیش از دیگر سناریوهای پیش‌بینی است.

در مجموع، بر اساس آخرین سرشماری کشوری در سال ۱۳۹۵، وضعیت‌شناسی جمعیتی، در بسیاری از عرصه‌ها دچار تحول شده است:

۱. متوسط رشد جمعیت در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱/۲۹ درصد، درحالی‌که این میزان در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته است (مرکز آمار، ۱۳۹۵، ص ۱۸).
۲. جمعیت شهری در سال ۱۳۹۰ برابر با ۵۳۶۴۶۶۶۱ نفر می‌باشد که رشدی معادل ۲/۱۴ درصد نشان می‌دهد. اما همین جمعیت در سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۹۱۴۶۸۷ نفر می‌باشد که رشدی معادل ۱/۹۷ درصد نشان می‌دهد (همان). درحالی‌که متوسط جمعیت شهری در سال ۱۳۹۰ برابر با ۷۱/۴ درصد بوده و این میزان در سال ۱۳۹۵ به رقم ۷۴ درصد رسیده است (همان، ص ۴۶).
۳. تراکم نسبی جمعیت، در هر کیلومتر در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۶ نفر در ایران بوده است. اما این میزان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۴۹ نفر در هر کیلومتر مربع است (همان، ص ۴۲).
۴. نسبت جنسیت جمعیت ایران در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۰۲ و در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۰۳ بوده است (همان، ص ۴۴).
۵. متوسط بُعد خانوار در سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۳/۵ بوده است. درحالی‌که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ درصد کاهش یافته است (همان، ص ۵۱).

## بررسی و ارزیابی

بر اساس آنچه گذشت، تغییرات جمعیتی در ایران کاملاً محسوس بوده است. آمار مربوط به رشد رو به تزاید جمعیت در یک دوره ۹۰ ساله، این است که جمعیت کشور از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۲۹، به بیش از ۵۶ میلیون نفر در سال ۱۳۶۹ رسیده است. میزان رشد جمعیت در آغاز این دوره ۹۰ ساله، حدود یک هشتم آن در پایان دوره بوده، و رشد آن در طول ۳۵ سال گذشته به طور متوسط معادل ۳/۱۵ درصد بوده است (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲۳).

بنا بر آنچه گذشت و با بررسی تغییرات میزان و حجم جمعیت ایران طی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۳۵، حاکی از این است که طی این مدت، بیش از ۵۶ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است. درحالی‌که طی پنجاه و پنج سال پیش از آن، طبق اسناد موجود فقط ۸/۷ میلیون نفر به جمعیت اضافه شده بود. این تفاوت ۴۳ میلیون نفری، که در نیمه دوم قرن اتفاق افتاده است، واقعیتی است که عمدتاً معلول کاهش مرگ‌ومیر، به‌ویژه کودکان و تغییر نگرش خانواده‌ها به بقای فرزندان و افزایش امید به زندگی بوده است. از ابتدای نیمه دوم قرن حاضر، جمعیت کشور ۳/۷ برابر شده است که رشدی برابر ۲/۷ درصد را نشان می‌دهد. رشد جمعیت کشور، طی دوره‌های سرشماری یکسان نیست؛ رشد جمعیت کشور تا شروع انقلاب اسلامی روندی کاهنده، اما پس از انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیر یافته است، به‌طوری‌که در دهه ۵۵-۱۳۶۵، رشد جمعیت ۳/۹ درصد را نشان می‌دهد. اما با انتشار نتایج سرشماری ۱۳۶۵ و مشاهده رشد بالای جمعیت طی دهه ۵۵-۱۳۶۵، دولت به فکر احیای سیاست کنترل جمعیت افتاد. با موفقیت اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده، روند باروری در

دهه‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵، به‌ویژه پنج ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵ تنزل چشمگیری یافت. سرعت کاهش باروری در این دهه را تعبیر «انقلاب باروری» نامیده‌اند (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۹، ص ۳۴). در ایران، به دلیل بروز انقلاب و تحمیل هشت سال جنگ خانمانسوز، و مشکلات فراروی اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، و جمعیتی و نیز تخریب بسیاری از زیرساخت‌های آن، و افزایش شدید باروری و جمعیت، در مقطعی ضرورت داشت که کشور با تغییر سیاست‌های جمعیتی خود، و کنترل جمعیت، اقدام به اجرای این سیاست کند. در این زمینه، ایران از جمله نخستین کشورهای مجری سیاست‌های کنترل جمعیت بود و از همان سال ۱۹۸۹، که روز ۱۱ جولای به‌عنوان روز جهانی «جمعیت» نامگذاری شد، اولین اقدامات خود را درباره کاهش جمعیت را آغاز نمود. متأسفانه بر اساس آمارهای موجود، ایران سریع‌ترین سیر کاهش نرخ باروری را در جهان داشته است (<http://tabyin.ir/node/70340>). اما با اجرای این سیاست و تناسب‌سازی آن، عملاً توقف این سیاست به دست فراموشی سپرده شد. اینک در دهه ۹۰، کشور ایران با افزایش شدید سن ازدواج، کاهش شدید باروری مواجه شده و جمعیت به سمت سرائیبی خاکستری شدن و سقوط آزاد در حرکت است.

### بررسی ابعاد تحولات جمعیتی ایران

نگرش کمی و بررسی تعداد جمعیت، مسئله‌ای است که جغرافی‌دانان و جمعیت‌شناسان ابتدا با مطالعه تعداد جمعیت و تعمق بیشتر در آن، به تدریج ساخت و تحولات جمعیت را شناسایی کرده، در پی بررسی جنبه‌های کیفی جمعیت بر می‌آیند. آنگاه با کمک جمعیت‌شناسی و روش‌های آماری، به پیش‌بینی جمعیت ناآلوده، در پی برقراری ارتباط تعداد جمعیت و ساخت و تحولات آن با سایر متغیرهای جمعیتی و غیرجمعیتی می‌پردازند. بنابراین، آنگاه که تعداد کمی جمعیت یک کشور و سرزمین در ارتباط با سایر عواملی مثل وسعت، اراضی زراعی و کشاورزی، وضعیت اقتصادی، رفاه اجتماعی، و کیفیت محیط طبیعی، اکولوژیکی، اقلیمی، تنوع آب و هوایی، جوان یا پیر بودن جمعیت، و... قرار داده می‌شود، جمعیت مفهومی دیگر پیدا می‌کند. از سوی دیگر، تغییر و تحولات جمعیتی، اگر بدون آمادگی قبلی کارگزاران و سیاست‌گذاران و متناسب با سیاست‌های مصوب نباشد، ممکن است چالش‌های برای کشور پدید آورد. همان‌گونه که ممکن است بسیاری از چالش‌های پیش روی یک جامعه، هیچ ارتباطی با حجم و کمیت جمعیت جامعه نداشته باشد. در این زمینه، بی‌تدبیری مسئولان نظام سیاسی در تأمین معاش و نیازی‌های اساسی و حیاتی شهروندان، فراهم نساختن زیرساخت‌های لازم برای کشور، ایجاد اشتغال و بهداشت لازم، کنترل مهاجرت‌های بی‌رویه و... نقش کلیدی در بحران پیش روی جمعیت داشته است. قلمرو گسترده سرزمینی ایران با تنوع آب و هوایی و اقلیمی، وجود معاون متنوع و... به گونه‌ای است که مقام معظم رهبری، به نقل از کارشناسان مطالعات جمعیتی، ایران را دارای ظرفیت جمعیت بین ۱۵۰ الی ۲۰۰ میلیون می‌داند (مقام معظم رهبری، ۱۶/مرداد/۱۳۹۰). درحالی‌که بسیاری از مشکلات جامعه امروز ما، هیچ ارتباطی با حجم و تعداد جمعیت ندارد. به نظر می‌رسد، مشکلات موجود جامعه ایران با کارگزاران و سیاستمداران موجود، برای جامعه ایران با جمعیت ۴۰ میلیون هم وجود می‌داشت. کارگزارانی که جمعیت جوان با

نشاط و آماده کار دهه ۶۰ را یک تهدید برای جامعه می‌دانند<sup>۱</sup>، درحالی‌که همواره جمعیت جوان، با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درست یک فرصت است. به هر حال، با عدم آمادگی لازم و فقدان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درست، تغییرات جمعیتی، ممکن است چالش‌هایی بسیاری را برای جامعه فراهم کند؛ ترکیب و توزیع نامناسب جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، مشکلات و تنگناهای آموزشی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، توزیع ناعادلانه امکانات و... از این‌رو، پیش‌بینی و رصد مستمر تغییر و تحولات جمعیتی، دست‌کم در بلندمدت، و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی لازم برای جمعیت آینده، امری ضروری و حیاتی است.

### ۱. کاهش نرخ رشد جمعیت

با عنایت به نرخ رشد جمعیت در ایران، تجزیه و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که ایران با کاهش شدید نرخ رشد جمعیتی مواجه و این امر جامعه را وارد مرحله جدیدی در تغییرات جمعیتی کرده است. مشخصه اصلی این دوره جدید تحولات جمعیتی، نه تنها افزایش رشد سالانه جمعیت نیست، بلکه کاهش مداوم و مستمر باروری کمتر از حد جانشینی است که خود منجر به منفی و خاکستری شدن رشد سالانه جمعیت در آینده خواهد شد. باروری پایین و زیر سطح جانشینی، اگر مستمر، مداوم و پایدار باشد، موجب بروز برخی مشکلات بزرگ برای ساختار سنی جمعیت کشور خواهد شد. روند کاهشی نرخ رشد جمعیت در سال‌های اخیر و پایین بودن شتاب رشد جمعیت از سطح جانشینی، به معنای توقف رشد جمعیت کشور نیست، بلکه به این معناست که در یک بازه زمانی چند ده ساله، جمعیت کشور به تدریج سالمندتر شده و جمعیت مولد کاهش خواهد یافت. از این‌رو، بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت ایران در پایان سال ۱۳۹۵، با افزایشی یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری نسبت به سال پیش، اندکی از ۸۰ میلیون نفر فراتر رفت. بر اساس این آمار، ایرانیان حدود ۱/۰۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد و در جایگاه هجدهم کشورهای پرجمعیت دنیا قرار دارد (همان، ص ۳۲). همچنین، نرخ رشد جمعیت در یک مقایسه بین سال‌های ۹۰ و ۹۵ بیانگر این است که متوسط رشد جمعیت در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱/۲۹ درصد بوده است، درحالی‌که این میزان در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته است (مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، ص ۱۸). به هر حال، این رشد ۱/۲ اکنون به هیچ وجه نگران‌کننده نیست، بلکه متعادل است و از این نظر مشکلی وجود ندارد. اما باید توجه داشت که طبق پیش‌بینی‌ها، این نرخ رشد در حال کاهش هست؛ چون باروری پایین است. در این صورت به مشکل بحران مواجه خواهیم شد.

آنچه این پژوهش در پی بررسی آن است اینکه با کاهش باروری، که نتیجه برنامه تنظیم خانواده و کنترل موالید در دهه ۶۰ بود، جمعیت رو به کاهش و با بهبود وضعیت بهداشتی، و افزایش امید زندگی، خانواده ایرانی هسته‌ای شده و جمعیت نیز به سمت سالمندی در حرکت است. فرصت طلایی جامعه ما که اینک با آن مواجه هستیم، فرصت پنجره جمعیتی است که اگر به درستی مدیریت و مهندسی شود، تهدید پیش روی جمعیت ایران، یعنی بحران کاهش باروری و سالمندی و کاهش جمعیت، به فرصت طلایی توسعه اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری، رونق اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی و سرانجام، افزایش باروری و جمعیت منجر خواهد شد.



## ۲. سالمندی جمعیت

منظور از «سالمندی»، افرادی که سن ۶۰ سال و یا افرادی که سن ۶۵ سال به بالا دارند. نرخ سالمندی در کشور ما ۸ درصد است؛ یعنی ۸ درصد کل جمعیت ایران سالمند است. مقدار سالمندی جمعیت با شاخصی تحت عنوان شاخص سالمندی اندازه‌گیری می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران طی ۴۰ سال، این شاخص از ۱۴ نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۲۹ نفر در سال ۱۳۸۵ رسید. پایه و اساس پیری، فرایندی است تحت عنوان «انتقال جمعیتی»، که در آن گذر مرگومیر و سپس، باروری از یک سطح بالا به طرف پایین کاهش می‌یابد. کاهش باروری وقتی که همراه با افزایش طول عمر باشد، ساختار سنی جمعیت را تغییر می‌دهد و به‌طور نسبی وزن جمعیت را به گروه‌های سنی بالاتر منتقل می‌کند. البته مهاجرت بین‌المللی نیز در این فرایند تأثیرگذار می‌باشد و اما در تغییر توزیع سن، نقشی بسیار کم در مقایسه با دو نماگر باروری و مرگومیر دارد (میرفلاح نصیری، ۱۳۸۶، ص ۳). وضعیت موجود کاهش شدید باروری چیزی است که ما را به سوی پیری و خاکستری شدن جمعیت سوق می‌دهد.

## ۳. کاهش بُعد خانوار

تحولات جمعیت در کشور در بُعد خانوار نیز متأثر از روند کاهشی جمعیت می‌باشد که در سرشماری سال ۱۳۹۵ دچار تغییرات و نوسانات شدیدی شده است. بُعد خانوار در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب، ۴ و ۳/۵ بوده است. این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ رسیده است (مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵، ص ۵۱). کاهش بُعد خانوار به این معناست که بسیاری از کارکردهای نهاد خانواده نظیر جامعه‌پذیری در کنار برادران و خواهران و یا آموزش از طریق سالمندان بر عهده سایر نهادهای رسمی تر گذاشته شده است. نکته جالب توجه در بُعد خانوار، تفاوت در میان برخی مناطق کشور است؛ استان‌هایی نظیر گیلان، تهران، البرز و آذربایجان شرقی، بُعد خانوار اندکی کمتر از میانگین کشوری است (صادقی جقه، ۱۳۹۶، ص ۳۳). درحالی که این شاخص در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و هرمزگان بیشتر از میانگین کشوری است. از این‌رو، در استان‌های با بُعد خانوار بزرگتر، کارکردهای نهاد خانواده نیز قوی‌تر از سایر مناطق کشور می‌باشد.

## ۴. کاهش باروری

یکی از مهم‌ترین وجوه گذار و انتقال جمعیتی، باروری است. باروری مهم‌ترین عامل تغییرات جمعیتی و تنها معبر طبیعی ورودی جمعیت در هر جامعه‌ای است. از این‌رو، تغییرات و نوسانات آن به‌طور مستقیم بر تعداد، حجم و ساختار جمعیتی اثر دارد. برای سنجش این پدیده در جمعیت‌شناسی، از سنجه‌های مختلفی استفاده می‌شود که متداول‌ترین آنها عبارتند از: میزان خام موالیه، میزان باروری عمومی، میزان باروری کل، و میزان باروری ویژه سن (چراغی، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

اما در ایران وضعیت باروری از حدود ۵۰ سال گذشته تاکنون تغییرات بسیاری تجربه کرده است. هر چند مطابق آمار رسمی و موجود، ایران دارای سطح باروری بالایی تا دهه ۴۰ داشت، اما از نیمه دوم همین دهه، و با آغاز برنامه

کنترل جمعیت در قالب برنامه تنظیم خانواده، از میانه دهه ۵۰ اندکی باروری کاهش یافت. این سیر چندان تداوم نداشت و با پیروزی انقلاب اسلامی، و همزمان با تغییر و دگرگونی ارزش‌ها در جامعه، منحنی باروری مجدداً سیر صعودی به خود گرفت. اما این فرایند، با خاتمه جنگ تحمیلی در ایران و اجرای مجدد برنامه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، بخصوص پس از سال ۱۳۶۷ به بعد، و دهه ۷۰ کاهش چشمگیری یافت. این سیر همچنان ادامه داشت تا در اوائل دهه ۸۰ باروری به زیر سطح جایگزینی رسید. و مطابق سرشماری ۱۳۸۵، سطح باروری به ۱/۹ درصد کاهش یافت (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۵). در نتیجه، این فرایند رو به رشد، بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، نرخ رشد جمعیت نیز در کشور به ۱/۲۴ درصد رسیده است (صادقی جقه، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

اجمالاً، با نگاهی به سیر فزاینده کاهشی میزان باروری در ایران، باروری در ایران در طی سه دهه اخیر بیش از ۷۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. در آماری مربوط به ایران، روند باروری در شش مرحله طرح شده است:

- ثبات باروری تا سال ۱۳۵۲ در حدود ۴۰ در هزار؛
- افزایش از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ به حدود ۴۵ تا ۴۸ در هزار؛
- تنزل باروری در دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تا سطح ۴۰ تا ۴۲ در هزار؛
- افزایش شدید در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به حدود ۵۰ در هزار؛
- کاهش چشمگیر و معنادار باروری پس از سال ۱۳۶۸، به حدود ۲۷ در هزار؛
- کاهش شدید تا سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۵ در هزار (جوادخانی، و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۸۱).

### پنجره جمعیتی؛ یک فرصت طلایی

با عنایت به آنچه در باب وضعیت‌شناسی جمعیت گذشت، و علی‌رغم کاهش شدید باروری و جمعیت، و در آینده نه چندان دور خاکستری و پیر شدن جمعیت، و نیز با نگاهی به آخرین آمار موجود درباره جمعیت و ترکیب جمعیتی کشور، ایران اکنون در عصر «طلایی جمعیت» به سر می‌برد. به طوری که جمعیت گسترده جوان، تحصیل کرده و آماده فعالیت از ویژگی‌های اساسی جامعه امروز ایران است. این امر، یک فرصت طلایی برای جهش در اقتصاد ایران به وجود آورده است (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۸، ص ۳۴) در اصطلاح جمعیت‌شناسی واژه «پنجره جمعیتی» (Demographic Window) دوره زمانی‌ای از تحولات جمعیتی یک کشور است که در آن، نسبت «جمعیت بالقوه فعال از نظر اقتصادی»؛ یعنی جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله، به حداکثر میزان خود می‌رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی مهیا می‌شود. بنا بر تعریف بخش سازمان ملل متحد پنجره جمعیتی، دوره‌ای است که در آن نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کمتر از ۳۰ درصد کل جمعیت برسد و نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر هنوز کمتر از ۱۵ درصد باشد. به همین دلیل، هر چه جمعیت جامعه‌ای جوان‌تر باشد، میانگین سنی کمتر است و در جمعیت‌های سالخورده این رقم در حد ۳۵ سال می‌باشد (کاظمی پور، ۱۳۸۸، ص ۳۹). نگاهی به آمار و نمودارهای مربوط نیز به خوبی نشانگر این واقعیت است. بر اساس هرم سنی جمعیت کشور، ایران هم‌اکنون با پدیده تورم جوانی جمعیت مواجه است؛ یعنی شمار زنان و مردانی که در سن جوانی

و در عین حال در سن کار و فعالیت هستند، بیشترین ترکیب جمعیتی را تشکیل می‌دهند. بر اساس این هرم، بیشترین تراکم جمعیت زنان و مردان ایران در سنین ۲۰ تا ۲۴ و ۲۵ تا ۲۹ سال هستند. به زبان علم جمعیت‌شناسی، ایران با پدیده «نورم جمعیت جوان» روبرو است (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۸). آمار جمعیت ایران نشان می‌دهد که هم‌اکنون جمعیت صفر تا چهار ساله، در ترکیب جمعیتی کشور قابل توجه است و این چنین است که ایران هرچند تا سال ۱۴۲۵ با رشد جمعیت مواجه خواهیم شد، اما از آن پس، با عنایت به نرخ رشد و با کاهش شدید باروری، با کاهش جمعیت مواجه خواهیم شد. از سوی دیگر، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد ایران در تحقق اقتصاد مقاومتی، یک فرصت جمعیتی دیگر نیز در اختیار دارد که به اصطلاح به آن «فرصت پنجره جمعیتی» می‌گویند. پنجره جمعیتی، وضعیتی موقت در ساختار جمعیتی ایران است که در سال ۱۳۸۵ باز شده و برای حدود چهار دهه طول می‌کشد. در این دوران، نسبت جمعیت در سنین فعالیت به حداکثر خود می‌رسد و نسبت‌های وابستگی سنی کاهش می‌یابد. در نتیجه، فرصت طلایی و منحصربه‌فردی فراروی توسعه اقتصادی فراهم می‌شود. البته این وضعیت به صورت اتوماتیک و خودبه‌خود عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن، نیازمند بسترهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی مناسب است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۵۹).

افزون‌براین، کشور ایران با وضعیت جمعیت کنونی خود، شانس و فرصت طلایی دیگری نیز در اختیار دارد: از این جهت که این فرصت از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و تا سال ۲۰۴۰ ادامه خواهد یافت و ایران فقط ۲۲ سال دیگر برای استفاده از این فرصت جمعیتی زمان دارد (همان). اگر از آن استفاده نکند، مانند بسیاری از کشورهای دیگر باید سال‌ها در انتظار تکرار مجدد این فرصت باشد. نگاهی به شرایط سایر کشورها و وضعیت‌شناسی جمعیتی آنها نشان می‌دهد که شمار معدودی از کشورها، از فرصت پنجره جمعیتی همانند ایران برخوردارند. به این ترتیب، یا فرصت پنجره جمعیتی آنان رو به پایان، یا به پایان رسیده و یا این فرصت هنوز آغاز نشده است. برای نمونه، فرصت پنجره جمعیتی ایالات متحده، که از سال ۱۹۷۰ آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۵ به پایان رسید. روسیه نیز به‌عنوان دومین ابرقدرت دنیا، چنین وضعیتی دارد و فرصت پنجره جمعیتی آن در سال ۲۰۱۵ به پایان می‌رسد (همان، ص ۱۸-۱۹). کشور ژاپن نیز که فرصتش در سال ۱۹۹۰ به پایان رسیده است، در حال سرمایه‌گذاری برای کسب مجدد فرصت جمعیتی است. البته بنا بر تعبیر الگوهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و بین‌المللی و شاخص جدید ارتباطات جهانی و تأثیرپذیری، معلوم نیست چه زمانی بتوان این فرصت را مجدداً به دست آورد. در میان سایر کشورهای درحال توسعه، کشور هند مشابه ایران است. فرصت جمعیتی این کشور، که اتفاقاً کشور پرجمعیت و پرزاد و ولدی نیز هست، از سال ۲۰۱۵ آغاز و تا ۲۰۵۰ ادامه خواهد یافت (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

این در حالی است که کشور ما، در وضعیت فرصت طلایی جمعیتی قرار دارد؛ جمعیت جوانی که از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا بررسی‌های آماری نشان می‌دهد جمعیت جوان ایران از کیفیت تحصیلی بسیار بالایی برخوردار است. بر اساس آخرین آمار سال ۱۳۹۵، جمعیت کل کشور که دارای تحصیلات عالی و حوزوی یا در حال تحصیل‌اند، بالغ بر ۱۳۸۶۰۹۵۴ نفر می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷). آیا یک چنین ترکیب فوق‌العاده‌ای را در سایر کشورهای جهان می‌توان سراغ گرفت؟ قطعاً بسیاری از این کشورها از چنین نعمتی محرومند.

از این رو، رصد و پیگیری آثار و پیامدهای پنجره جمعیتی، به نظر ضروری می‌رسد. در اینجا نگاهی گذارا به پیامدهای پنجره جمعیتی می‌افکنیم:

### پیامدهای پنجره جمعیتی

اما اینکه به راستی پنجره جمعیتی، یک فرصت طلایی است یا تهدید برای کشور؛ اصولاً پنجره جمعیتی و تهدید یا فرصت بودن آن برای یک کشور، به میزان زیادی وابسته به نوع نگرش و عملکرد دولت به آن دارد. بر اساس آمارهای رسمی، در حال حاضر نزدیک به هفتاد و یک درصد از کل جمعیت کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال (یعنی سن فعالیت اقتصادی) قرار دارند که حاکی از وجود سرمایه انسانی قابل توجهی برای جهش اقتصادی است. روشن است ناکارآمدی و ناتوانی در جذب این گروه عظیم جمعیت، در کوتاه‌مدت بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری به همراه دارد. در بلندمدت نیز تهدیدی جدی برای جامعه تلقی خواهد شد؛ زیرا این امر تهدیدی برای افزایش دامنه جمعیت سالخورده خواهد بود (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۵).

از این رو، گذار ساختار سنی و پنجره جمعیتی، می‌تواند بستری مناسب برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم سازد؛ مشروط بر اینکه نوع نگرش و عملکرد دولت و سیاست‌گذاران کشور نسبت به آن مثبت و فرصت باشد، نه تهدید؛ زیرا تأثیرات اقتصادی پنجره فرصت جمعیتی، ریشه در این واقعیت دارد که در طول دوره‌ای که پنجره فرصت گشوده می‌شود، هزینه‌های عمومی، که در برنامه‌های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت و برای تعداد زیاد نوزادان و کودکان صورت گرفته بود، به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیرساخت‌های اساسی کشور هدایت می‌شوند. در سطح خرد نیز خانواده‌ها می‌توانند هزینه‌های جاری را به سمت سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و بهبود سطح کیفی و استانداردهای زندگی هدایت کنند. به همین دلیل، نظریه پنجره جمعیتی به اشکال گوناگون، منجر به بروز فرصت‌ها برای افزایش و رشد تولید سرانه می‌شود. افزایش درصد جمعیت در سن کار، نسبت به کل جمعیت، موجب افزایش تولید ناخالص ملی می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش تعداد تولیدکنندگان، یعنی جمعیت در سن کار، نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان، یعنی کودکان، نوجوانان و سالمندان، به طور طبیعی موجب افزایش تولید سرانه می‌شود (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۸). بنابراین، موتورهای پنجره جمعیتی برای رشد و توسعه اقتصادی، دارای آثار ترکیبی و رفتاری بوده، موجب ایجاد فرصت‌هایی برای رشد تولید سرانه و رشد اقتصادی می‌شود؛ زیرا از یک سو، این امر موجب افزایش تولید ملی خواهد شد و از سوی دیگر، مدیریت مصرف را به دنبال دارد. با این حال، می‌توان آثار و پیامدهای زیر را برای پنجره جمعیتی بر شمرد:

#### ۱. توسعه کیفی سرمایه انسانی

پنجره جمعیتی، شرایط مناسبی را برای توسعه کیفی نیروی انسانی و افزایش نیروی کار فراهم می‌کند؛ زیرا با نیروی کار در سن فعالیت و ورود آنان به بازار کار و نیز تلاش برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بیشتر، خود زمینه‌ساز

کاهش فقر و کاهش شکاف طبقاتی است. مطالعه ماسون و لی در برآورد تأثیرات پنجره جمعیتی در توسعه کیفی نیروی انسانی و در نتیجه، کاهش فقر برای مناطق مختلف جهان، نشان می‌دهد که پنجره و سود جمعیتی، منجر به افزایش عرضه کیفی نیروی انسانی و کاهش میزان فقر در جهان درحال توسعه، ۱۴ درصد در دوره بین ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ شده است و برآورد شده که میزان فقر به علت سود جمعیتی، حدود ۱۴ درصد دیگر در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ شده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵). بدین ترتیب، پنجره جمعیتی یک فرصت منحصر به فرد طلایی است که افزون بر ایجاد رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش شکاف طبقاتی، فرصت بسیار مغتنمی برای توسعه کیفی سرمایه انسانی و رشد و توسعه اقتصادی کشور است. سرمایه انسانی یا داشتن نیروی کار سالم و تحصیل کرده، که هم‌اکنون جامعه ما مشحون از آن است، همراه با ثروت، پول و سرمایه فیزیکی، منبع اصلی رشد اقتصادی پایدار محسوب می‌شوند؛ چراکه افزایش و بهبود سرمایه انسانی، توسعه اقتصادی سریع را تسهیل می‌کند. از این رو، پنجره جمعیتی یک فرصت منحصر به فرد را برای افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بهداشت، آموزش، بهره‌وری سرمایه انسانی، فعالیت‌های زیربنایی و توسعه پایدار را فراهم می‌کند.

## ۲. افزایش کمی عرضه نیروی کار

پنجره جمعیتی، از طریق دو مکانیزم افزایش بی سابقه نسبت جمعیت در سنین فعالیت و فراهم کردن زمینه حضور و مشارکت زنان در نیروی کار، افزون بر توسعه کیفی نیروی انسانی، موجب افزایش کمی عرضه نیروی کار می‌شود. با توجه به الگوی سنی مشارکت و فعالیت اقتصادی، که در آن نرخ مشارکت نیروی کار در طول سنین ۱۵ تا ۶۴ سال افزایش می‌یابد، افزایش جمعیت در سنین فعالیت، عرضه کمی نیروی کار را نیز افزایش می‌دهد. در طول دوره پنجره جمعیتی ایران، جمعیت در سنین فعالیت (۱۵-۶۴) سال افزایش یافته و به حدود ۷۲ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر، بیش از دو سوم جمعیت در سنین فعالیت قرار می‌گیرند. پیش از این دوران، نسبت جمعیت در سنین فعالیت، حدود ۵۰ درصد بوده است. در صورت حفظ وضعیت موجود کاهش باروری، از این دوران به بعد، نسبت جمعیت در سنین فعالیت، نیز تقریباً به همین حدود کاهش می‌یابد (ر.ک: نوفرستی و مدنی تنکابنی، ۱۳۸۵).

مطالعات تجربی بیانگر اثر منفی افزایش سهم جمعیت زیر ۱۵ سال و جمعیت ۶۵ سال و بالاتر از کل جمعیت، بر رشد اقتصادی و GDP (تولید ناخالص داخلی) سرانه و اثر مثبت افزایش سهم جمعیت، ۱۵-۶۵ سال بر آن می‌باشد. عرب‌مازار و کشوری‌شاد، در بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت در رشد اقتصادی نتیجه گرفتند که یک درصد رشد نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال به کل جمعیت در بلندمدت، موجب  $1/27$  درصد رشد GDP سرانه و یک درصد رشد نسبت نیروی کار شاغل به جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال موجب رشد  $1/89$  درصد رشد GDP سرانه خواهد شد. از این رو، رشد و افزایش جمعیت در سنین کار و فعالیت، تأثیر مثبت در رشد سرانه و رشد اقتصادی دارد (عرب‌مازار و کشوری‌شاد، ۱۳۸۴، ص ۳۲). مکانیزم دوم، افزایش میزان مشارکت زنان در این دوران است. کاهش باروری و تغییرات ساختار سنی، به طور مستقیم منجر به افزایش بیشتر عرضه نیروی کار زنان می‌شود.

در طول دوره پنجره جمعیت، طول دوره تولیدمثل کاهش یافته و جمع می شود. این وضعیت، روزنه و فرصت مناسبی برای ورود زنان به بازار کار می باشد. در ایران هنوز میزان مشارکت اقتصادی زنان پایین و کمتر از ۱۵ درصد است. اما با توجه به روندهای کاهشی باوری در سال های اخیر و محدود شدن دوران فرزندزایی به ۷-۸ سال و گسترش ورود زنان به تحصیلات عالی، همراه با تغییرات ارزشی نگرشی، انتظار می رود که در صورت فراهم شدن بستر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مناسب، در دهه های آینده میزان مشارکت اقتصادی زنان افزایش یابد. بر اساس برآورد فرجادی و علیزاده، میزان مشارکت اقتصادی زنان تا سال ۱۴۰۰، به ۲۴ درصد می رسد (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸). این مهم، یعنی افزایش کمی عرضه نیروی کار را باید به فال نیک گرفت و با فرهنگ سازی در بلندمدت، همزمان به افزایش باروری و جمعیت اقدام نمود.

### ۳. افزایش پس اندازها و سرمایه گذاری ها

پیامد افزایش جمعیت در سنین فعالیت در دوره پنجره جمعیتی، افزون بر توسعه کیفی سرمایه انسانی و افزایش کمی نیروی کار، افزایش پس انداز و سرمایه گذاری است. تمایل به پس انداز بخش زیادی از درآمد، در میان جمعیت در سنین فعالیت، بیشتر از کودکان و سالمندان است. این موضوع هم در مدل های چرخه زندگی تولید و مصرف و هم در مطالعات تجربی رفتار پس اندازی افراد در سنین مختلف نشان داده شده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). پاسخ های رفتاری، منجر به افزایش پس اندازها به چند دلیل است: نخست، همان گونه که بعد خانوار بر اثر کاهش باروری، کاهش می یابد، خانواده ها می توانند سهم بیشتری از درآمدشان را پس انداز کنند. دوم، با توجه به اینکه کودکان تازه وارد به سنین فعالیت، امید زندگی طولانی تری را تجربه می کنند، آنها نیازمند پس انداز بیشتری برای دوره طولانی بازنشستگی دارند. سوم، اگر رشد اقتصادی بالا باشد، پس اندازهای افزایش یافته، خانواده های جوان تر، یک نیروی محرکه قوی برای افزایش پس اندازهای ملی خواهد بود (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

از این رو، افزایش پس انداز همواره تابعی از تعامل انتقال های ساختار سنی با چرخه زندگی اقتصادی است و افزایش سهم جمعیت در سنین فعالیت، پس اندازها را افزایش می دهد. بدین ترتیب، با کاهش باروری و انتقال ساختار سنی، روزنه فرصت، هر چند برای مدت زمان محدود ایجاد می شود که در طول آن، امکان پس اندازهای شخصی و سرمایه گذاری های ملی افزایش می یابد. در واقع، پس اندازهای شخصی، که در دوران پنجره جمعیتی افزایش محسوسی پیدا می کنند، منبعی برای سرمایه گذاری های تولیدی و صنعتی و رشد و توسعه اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی مردم، و در نتیجه افزایش زادوولد و باروری خواهد بود. این امر، می تواند به عنوان سوخت و محرک رشد اقتصادی و بستر ساز افزایش زادوولد استفاده شود. از این رو، پنجره جمعیتی در تعامل با چرخه زندگی اقتصادی، رشد پس اندازها و توانایی کشور را برای سرمایه گذاری افزایش می دهد.

#### ۴. کاهش نسبت‌های وابستگی و سنی

همان‌طور که گذشت، پنجره جمعیتی آثار مثبتی در توسعه کیفی و کمی نیروی انسانی و افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌انداز خواهد داشت و در بلندمدت، به دلیل توسعه اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی مردم، که یکی از عوامل کاهش باروری بود، باروری افزایش خواهد یافت؛ زیرا در وضعیت موجود و با کاهش باروری، خانواده‌های هسته‌ای این اجازه را دارند تا مشتاقانه برای هر کودک سرمایه‌گذاری کنند. افزایش سرمایه‌گذاری بازتاب حرکت از تقاضا برای کمیت فرزندان، به سمت کیفیت فرزندان است. از سوی دیگر، نسبت‌های وابستگی نیز در حال کاهش و سرمایه‌گذاری قوی در سرمایه انسانی با هم مرتبط هستند. به همین دلیل، اگر نسبت‌های وابستگی کاهش یابد، بهبود سرمایه انسانی دچار نوسان می‌شود (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۳). بنابراین، یکی از پیامدهای بارز پنجره جمعیتی، تغییر در نسبت‌های وابستگی سنی یا بار تکفل است. به عبارت دیگر، با افزایش جمعیت در سنین فعالیت (۱۵-۶۴ ساله) شاخص نسبت وابستگی سنی کاهش می‌یابد. نسبت وابستگی سنی یا بار تکفل، به‌عنوان نسبت جمعیت جوان و سالمند وابسته به جمعیت در سنین کار و فعالیت تعریف می‌شود (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳). این شاخص در طول زمان و در میان جمعیت‌ها در نوسان است. دو عامل منجر به تغییرات و نوسانات عمده این شاخص می‌شوند: نخست، ورود نسل پیش‌زایی به سنین فعالیت، نسبت وابستگی سنی کاهش می‌یابد. با افزایش سن فعالیت، و سرمایه‌گذاری افزایش، اشتغال رونق گرفته، اقتصاد توسعه خواهد یافت. مشکل کاهش باروری نیز که منجر به کاهش کمی تعداد فرزندان می‌شود، با توسعه کیفی نیروی انسانی، اقتصاد توسعه یافته، سرمایه‌گذاری افزایش و نسبت وابستگی سنی کاهش و در نتیجه در چرخه جدید، با بهبود معیشت مردم، باروری افزایش خواهد یافت. البته نباید تأثیر مهاجرت را نیز در این زمینه نادیده گرفت.

#### ۵. نوسانات سنی تولید و مصرف

رفتار اقتصادی افراد، غالباً به جایگاه آنان در چرخه زندگی وابسته است. از این‌رو، در شرایطی که بیشترین سهم جمعیت را افراد وابسته، یعنی کودکان و سالمندان تشکیل می‌دهند، معمولاً محدودیت‌هایی برای رشد و توسعه اقتصادی به وجود می‌آید؛ زیرا در این صورت باید بسیاری از منابع، به رفع نیازهای آنها اختصاص یابد. اما در پنجره جمعیتی؛ یعنی جایی که بیشترین سهم جمعیت مربوط به افراد در سنین کار می‌باشد، همان‌طور که گذشت، این امر می‌تواند محرک رشد اقتصادی باشد؛ زیرا درآمد و انباشت سرمایه در این شرایط افزایش می‌یابد. بر این اساس، تغییرات در ساختار سنی، و ورود جمعیت یک جامعه به پنجره جمعیتی، تأثیر عمده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی دارد. این فرایند موجب کاهش فقر در جامعه نیز خواهد شد. یکی از محققان با ارائه فرضیه چرخه زندگی، به تبیین نوسانات سنی، در تولید و مصرف پرداخته و به خوبی اهمیت بافت و ساختار سنی جمعیت را بر روندهای مصرف و تولید و درآمد نشان داده است. وی زندگی افراد را به سه دوره تقسیم می‌کند: «دوره خردسالی و نوجوانی» (زیر ۱۵

سال)، که طی آن مصرف از درآمد بیشتر است. «دوره میانسالی» (۱۵ تا ۶۴ سال)، که سال‌های مولد فرد در طول زندگی محسوب می‌گردد. در این دوره، میزان مصرف کمتر از میزان تولید و درآمد فرد است که بخشی از آن، بابت مصرف در اوایل زندگی بازپرداخت و بخش دیگر پس‌انداز می‌شود. «دوره کهنسالی» (یعنی بالای ۶۵ سال)، در این دوران مصرف فرد بر پس‌انداز وی فزونی می‌یابد (معینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۲). بر این اساس، کیهانی‌حکمت (۱۳۶۲)، نشان داد که بار تکفل سنین خردسالی (نسبت جمعیت ۱۴-۰ ساله، به ۱۵-۶۴ ساله) و بار تکفل سنین پیری (نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر، به ۱۵-۶۴ ساله)، با مخارج مصرفی دولت ارتباط مثبت دارد (ر.ک: کیهانی‌حکمت، ۱۳۶۲). همچنین، نوفرستی و مدنی‌تنکابنی، در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بیشترین پس‌انداز توسط افرادی که در محدوده سنی ۳۰ تا ۴۵ سال هستند، صورت می‌گیرد. این مطالعه نشان داد ضرایب گروه‌های سنی میانی جمعیت، که تأمین‌کننده پس‌انداز جامعه هستند، منفی است (ر.ک: نوفرستی و مدنی‌تنکابنی، ۱۳۸۵). این مطالعه به درستی بیانگر این است که هر چه میزان گروه‌های سنی جمعیت مذکور افزایش یابد، از مصرف کل جامعه کاسته و بر میزان پس‌انداز کل جامعه افزوده خواهد شد. بدین ترتیب، الگوهای تولید و مصرف، بر حسب سن در نوسان است. در هر صورت، افزایش پس‌انداز، افزایش رفاه، و توسعه اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی و افزایش باروری را نتیجه خواهد داد. در نتیجه، ساختار سنی جمعیت، بر فرایندهای توسعه از طریق عرضه و تقاضا برای کار و کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد. در اکثر کشورهای جهان سوم، رشد اقتصادی به وسیله رشد جمعیت کاهش می‌یابد؛ زیرا رشد جمعیت، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. در این قبیل کشورها، رابطه بین جمعیت و روند توسعه ملاحظه نمی‌شود. ولی سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای محدود کردن اثر رشد جمعیت، روی درآمد سرانه محاسبه می‌شود. در برخی کشورهای جهان سوم برای مشاهده اثرات ساختار سنی روی بار تکفل و هزینه‌های سرانه اجتماعی، قدری فراتر می‌روند، و در راه‌هایی که این اثرات، تأثیرات پتانسیل برای سطوح سرمایه‌گذاری بالاتر و کاربردهای تولیدی مستقیم برای سرمایه‌گذاری توجه می‌کنند (ساعی ارسعی، ۱۳۸۰، ص ۵۱).

## نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. رشد جمعیت ایران از گذشته تا به حال، فراز و فرودهای بسیاری داشته است. بررسی وضعیت‌شناسی جمعیت در ایران، حاکی از این است که رشد جمعیت کشور، تا شروع انقلاب اسلامی روندی کاهنده، اما پس از انقلاب اسلامی، افزایش چشمگیری یافته است. اما با اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده در دهه ۶۰ روند باروری در دهه‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵، تنزل چشمگیری یافت. سرعت کاهش باروری در این دهه را «انقلاب باروری» نامیده‌اند.
۲. با بررسی ابعاد تحولات جمعیتی، جامعه ما با کاهش نرخ رشد جمعیت، سالمندی جمعیت، کاهش بُعد خانوار و هسته‌ای شدن آن، کاهش باروری مواجه می‌باشد.



۳. پیش‌بینی‌ها از فرایند کاهش شدید باروری، حاکی از این است که جمعیت کاهش یافته، به سمت خاکستری و پیری در حرکت است.

۴. با این حال، جامعه ما در یک مقطع بزرگ و فرصت طلایی «پنجره جمعیت» به سر می‌برد که از سال ۱۳۸۵ آغاز شده و حدود چهار دهه به طول می‌کشد.

۵. در این فرصت طلایی پنجره جمعیتی، جامعه ما با جمعیت گسترده جوان، تحصیل کرده و آماده فعالیت و مشارکت مواجه می‌باشد که همه شرایط لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی، رونق اشتغال، افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و... فراهم کرده است؛ زیرا تأثیرات اقتصادی پنجره فرصت جمعیتی، ریشه در این واقعیت دارد که در طول این دوره، هزینه‌های عمومی از جمله برنامه‌های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت برای نوزادان و کودکان، به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و زیرساخت‌های اساسی کشور هدایت می‌شوند. در سطح خرد نیز خانواده‌ها هزینه‌های جاری را به سمت سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و بهبود سطح کیفی و استانداردهای زندگی هدایت خواهند کرد.

۶. از سوی دیگر، فرصت پنجره جمعیتی به اشکال گوناگون، منجر به بروز فرصت‌ها برای افزایش و رشد تولید سرانه می‌شود؛ زیرا افزایش درصد جمعیت در سن کار، نسبت به کل جمعیت، موجب افزایش تولید ناخالص ملی می‌شود. به عبارت دیگر، افزایش تعداد تولیدکنندگان، یعنی جمعیت در سن کار، نسبت به تعداد مصرف‌کنندگان، یعنی کودکان، نوجوانان و سالمندان، به طور طبیعی موجب افزایش تولید سرانه می‌شود. بنابراین، موتورهای پنجره جمعیتی برای رشد و توسعه اقتصادی، دارای آثار ترکیبی و رفتاری بوده، موجب ایجاد فرصت‌هایی برای رشد تولید سرانه و رشد اقتصادی می‌شود؛ زیرا این امر موجب افزایش تولید ملی و مدیریت مصرف توأمان می‌شود.

۷. افزون بر اینکه، پنجره جمعیتی موجب توسعه کیفی و کمی نیروی انسانی، افزایش سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، کاهش نسبت‌های وابستگی و سنی می‌شود. اینها جملگی رونق اقتصادی، اشتغال و توسعه اقتصادی، بهبود وضعیت معیشتی مردم و افزایش باروری و خارج شدن جامعه از رکود پیری و خاکستری شدن جمعیت را به همراه خواهد داشت.

۸. به نظر می‌رسد، «تهدید» و بحران پیش روی جمعیت ایران، یعنی بحران کاهش باروری، جمعیت و سالمندی را می‌توان با بهره‌گیری درست، مدیریت و مهندسی پنجره جمعیتی، به «فرصت» طلایی توسعه اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری، رونق اشتغال، رشد و توسعه اقتصادی و سرانجام، افزایش باروری تبدیل کرد. این امر در گروه همت، باور و تلاش شبانه‌روزی، مسئولان نظام، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاری جامعه است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. سخن‌سنجیده معاون اول دولت دوازدهم در این زمینه، حکایت از عدم باور مسئولان نظام به رویکرد جدید گفتمان افزایش جمعیت دارد.

## منابع

- امانی، مهدی، ۱۳۸۷، *مبانی جمعیت‌شناسی*، چ هشتم، تهران، سمت.
- جوادخانی، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، «*مستندسازی ابعاد و روند انتقال جمعیت در ایران: سطوح متفاوت توسعه‌های منطقه‌ای، در: جمعیت و برنامه‌ریزی*»، مجموعه مقالات، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی، آسیا و اقیانوسیه.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، ۱۳۹۷، *بحران خاموش؛ واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسینی، محمدرضا، ۱۳۹۲، «*بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضيقه ازدواج» و «تجدد دختران»*»، معرفت، ش ۱۸۹، ص ۱۱۷-۱۲۹.
- ریبی، علی، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد*، فرهنگ و اندیشه، تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله، ۱۳۷۱، *جمعیت و توسعه*، مجموعه مقالات، تهران، پژوهش‌ها.
- ساعی ارسبی، ایرج، ۱۳۸۰، *ملاحظات جمعیتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه در ایران*، ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی.
- سختزانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳، در: [khamenei.ir](http://khamenei.ir).
- صادقی، رسول و غلامعلی فرجادی، ۱۳۸۸، «*پنجره جمعیتی: فرصت طلایی برای توسعه اقتصادی در ایران*»، در: مجموعه مقالات جمعیت و برنامه‌ریزی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی، آسیا و اقیانوسیه.
- صادقی، رسول، ۱۳۹۱، «*تغییرات ساختاری و سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران؛ پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی*»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۵۵، ص ۹۵-۱۵۰.
- صادقی جقه، سعید، ۱۳۹۶، «*تحولات جمعیتی در پرتو نتایج سرشماری ۱۳۹۵*»، *دیدهبان امنیت ملی*، ش ۶۰ و ۶۱، ص ۳۱-۳۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال و همکاران، ۱۳۸۹، *تحولات باروری در ایران با استفاده از روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵*، تهران، پژوهشکده آمار ایران.
- عرب‌مازار، عباس و علی کشوری‌شاد، ۱۳۸۴، «*بررسی اثر تغییر ساختار جمعیت بر رشد اقتصادی*»، *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۱۵، ص ۵۰-۲۷.
- قاسمی، صالح، *سریع‌ترین سیر کاهش نرخ باروری در تاریخ بشریت*، <http://tabyin.ir/node/70340>.
- قاسمی، صالح، ۱۳۹۵، *قتل‌عام خاموش*، تهران، خیزش نو.
- کاظمی‌پور، شهلا، ۱۳۸۸، *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کیهانی حکمت، رضا، ۱۳۶۲، *بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۶، *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*، تهران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌المللی.
- معینی، سیدرضا و همکاران، ۱۳۹۴، *پنجره جمعیتی؛ یک موهبت یا پدیده‌ای مشکل‌افزا؟*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش جمعیت، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- میرفلاح نصیری، سیدنعمت‌الله، ۱۳۸۶، «*مشخصه‌های جمعیت‌شناختی سالمندی جمعیت و نماگرهای مربوط در ایران*»، *بررسی‌های آمار رسمی ایران*، ش ۷۱، ص ۱-۱۴.
- میزگرد تخصصی با حضور دکتر سیدرضا معینی و طه نوراللهی، ۱۳۹۱، «*ضرورت بازنگری در سیاست‌های جمعیتی کشور*»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، سال شانزدهم، ش ۵۸، ص ۴-۱۰.
- نوفرستی، محمد و سیدصهیب مدنی تنکابنی، ۱۳۸۵، «*اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی*، تحلیلی به روش همجمعی»، *بیک تور*، ش ۱۴، ص ۱۰۶-۱۱۶.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۹، *سیمای جمعیت و سلامت در جمهوری اسلامی*، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

<http://www.bartarinha.ir/fa/news/661476/>.

<https://harfetaze.com/8994>

<http://sedayiran.com/fa/news/181436/>، ۲۳ اسفند ۱۳۹۵.

World Population Prospects: The 2012 Revision.